

فرهنگ عامیانه‌ی همدان

به روایت میرزا علی اکبر

(گفت‌وگو با علی اکبر محمودی وثاق)

مصاحبه، تدوین و پژوهش
محمدحسین یزدانی راد

پیشگفتار

صاحب‌نظران و مورخان شفاهی کار داده‌های تاریخ شفاهی را به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌کنند. دسته‌ی اول آنهایی هستند که هم‌زمان با رخداد موردنظر تاریخی و یا در فاصله زمانی بسیار نزدیک به آن تولید شده‌اند. مانند روایت‌های کنشگران فعال و شاهدان عینی از حادثه و یا رویداد خاص تاریخی. دسته‌ی دوم داده‌های ثانویه یا روایت‌هایی هستند که روایتگران یا ناقلان آن کنشگر یا شاهد آن حادثه نبوده‌اند بلکه به طریقی آن را شنیده و ناقل آن به شمار می‌آیند یا حتی ممکن است از گذشته‌های دور سینه‌به‌سینه به آنها انتقال پیدا کرده باشد. این داده‌ها هر چند به جهت اهمیت به‌پای داده‌های نوع اول نمی‌رسند ولی به جهت اینکه تنها نوع روایت در حادثه‌ی موردنظر هستند و یا حتی گاهی مکمل و تکمیل‌کننده‌ی روایت‌های دست‌اول در مورد آن حادثه به شمار می‌آیند و یا دربردارنده‌ی برخی داده‌های مردم‌شناسی و فرهنگ‌عامه یا فولکلور می‌باشند در نوع خود حائز اهمیت می‌باشند. به‌هرحال داده‌های تاریخ شفاهی چه از نوع اول باشند و چه نوع دوم حائز اهمیت می‌باشند و از این منظر که رویکرد شفاهی مدارک متکثری را پیش روی مورخ قرار می‌دهد و او را در شناخت ابعاد مختلف کنش انسان‌ها (و وجوه ساختاری که این کنش‌ها در آن شکل گرفته است) یاری می‌دهد ارزشی دوچندان پیدا می‌کند.

در حال حاضر در ایران و جهان، سازمان‌های پژوهشی متعددی هستند که در

زمینه‌ی گردآوری داده‌های تاریخ شفاهی فعال هستند. سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران نیز سابقه‌ای بیش از بیست سال فعالیت در این حوزه را دارد و در این زمینه جزو پیشگامان به حساب می‌آید.

این کتاب نمونه‌ای از مجموعه مصاحبه‌های این سازمان با ناقلان و روایتگران سنن فرهنگی و روایتگران فرهنگ عامه‌ی محلی به شمار می‌آید؛ و هدف از چاپ آن فراهم کردن امکان اطلاع از داده‌های فولکلوریک و آشنایی نسل جوان با میراث تاریخی خود می‌باشد.

مقدمه

کلمی را که پیش رو دارید حاصل گفت‌وگویی بیست‌وهشت ساعته با زنده‌یاد علی‌اکبر محمودی‌وثاق است که از مهرماه ۱۳۸۱ آغاز و پس از یک سال به پایان رسید. این گفت‌وگو از سوی سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران و در قالب یک مصاحبه تاریخ شفاهی صورت گرفت.

مرحوم علی‌اکبر محمودی‌وثاق در سال ۱۳۲۰ در محله‌ی چشمه‌ی خانم دراز در خانواده‌ای متوسط‌الحال به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی جامی و دوران دبیرستان را در دبیرستان علویان طی نمود و پس از آن به استخدام اداره‌ی پست همدان درآمد. هم‌زمان با استخدام در این اداره به خاطر علاقه‌ای که از اوان تحصیل به شعر و نمایش و فرهنگ و گویش همدانی داشت به جمع‌آوری مواد فرهنگ عامیانه همت گماشت و علاوه بر آن در عرصه‌هایی همچون بازیگری تئاتر، گویندگی رادیو، مجری‌گری و نقالی و تعزیه‌خوانی به فعالیت پرداخت. خاطره‌انگیزترین تصویری که از فعالیت‌های این هنرمند مردمی طی چندسال فعالیت در صدا و سیمای مرکز همدان باقی مانده است، بخش «میرزا علی اکبر» در برنامه رادیو محله می‌باشد که به نحوی هنرمندانه از عهده‌ی کاراکتر آن برآمده است.

او دارای حافظه‌ی بسیار قوی و نافذ بود. از زندگی خود داستان‌های بسیاری برای گفتن داشت و آنها را با شیرینی خاص خود تعریف می‌کرد. دارای لهجه‌ی

غلیظ همدانی بود و باحوصله و اشتیاقی سرشار می‌توانست ساعت‌ها درباره‌ی خاطرات خود صحبت کند. سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران، خاطرات ایشان را از سال‌های فعالیت در عرصه‌های مختلف هنری و نیز مشاهدات وی از جنبه‌های مختلف فرهنگ‌عامه را به‌صورت مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی ضبط و ثبت نمود. روایت‌های او از جنبه‌های مختلف فرهنگ عامیانه‌ی همدان و تبحری که وی در این عرصه داشت این مجموعه را به یکی از ارزشمندترین مجموعه‌های تاریخ شفاهی در این سازمان تبدیل نموده است. مصاحبه با ایشان در طی بیست‌وهشت جلسه توسط اینجانب انجام شد.

علی‌اکبر محمودی وثاق در تاریخ ۱۳۹۳ به دیار باقی شتافت. موضوع چاپ خاطرات ایشان زمانی که خودشان در قید حیات بودند مطرح بود. اما به خاطر فوت ناگهانی ایشان مدتی به تعویق افتاد تا اینکه به پیشنهاد دوست فاضلم جناب آقای علی‌مسعود میدانچی و ملاقاتی که به همت ایشان با جناب آقای الهی‌تبار معاون محترم استانداری همدان انجام گرفت مقرر شد با حمایت ایشان این مصاحبه پس از طی مراحل قانونی به زیور طبع آراسته گردد.

نکات ویرایشی کتاب

ضبط روایت‌های کتاب بر اساس مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی جمع‌آوری شده است که به طول یک سال به درازا انجامید. لذا به دلیل طولانی بودن مصاحبه برخی مطالب خارج از چارچوب موضوع بیان‌شده و نظم موضوعی آنها دچار گسستگی بود. برای تنظیم این کتاب، رعایت ترتیب موضوعی ملاک قرار گرفته است و در ابتدا فهرستی از همه‌ی مطالب موجود در خاطرات تهیه شد و موضوعات به ترتیب محتوایی چیده شد. در مرحله‌ی بعدی، کامل‌ترین روایت از میان روایت‌های موجود انتخاب و چنانچه مطلبی می‌توانست آن را تکمیل کند به مطلب منتخب افزوده شد. سپس در جهت گویاسازی جملات، در موارد ضروری و لازم تغییراتی در ساختار آنها ایجاد شد؛ آنقدر که اصل «پایبندی به متن روایت» که در تاریخ شفاهی مورد تأکید است لطمه‌ای نبیند مانند:

جمله‌ی اصلی: «پدرم در کارمسرای حاج ابراهیم‌بیگ در چال دباغخانه مشغول بود به کار سرایداری و خیلی علاقه داشت که ما درس بخوانیم خودش تا کلاس شیش [شش] قدیم بیشتر درس نخوانده بود ولی اهل شعر و ادب بود و

برای ما قصه زیاد تعریف می‌کرد در عین حال هنرمند بود و گاه‌گاهی نوازندگی می‌کرد نی قشنگ می‌زد و نوازنده بود.»

جمله‌ی اصلاح‌شده: «پدرم در کارمسرای [کاروانسرای] حاج ابراهیم‌بیگ در چال دباغخانه، سرایدار بود و باوجود اینکه تا کلاس شیشم [ششم] ابتدایی بیشتر درس نخوانده بود اهل شعر و ادب بود و قصه‌های بسیاری برای ما نقل می‌کرد و خیلی علاقه داشت که فرزندانش تحصیل کنند؛ در عین حال دستی هم در هنر داشت و گاه‌گاهی نی می‌زد، ایشان به نی [زدن] علاقه‌ی زیادی داشت و با نی آهنی خود نوازندگی می‌کرد.»

برای اطمینان از صحت متن، در بسیاری از موارد، متن کتاب با نوار صوتی مصاحبه تطبیق داده شده است. چنانچه درنهایت کلمه‌ای تشخیص داده نشد، در زیرتویس در مورد آن توضیح داده شد. تلاش شده است تا مفهوم جمله کاملاً رسا بوده و از ابهام به دور باشد.

بخشی از مطالب مصاحبه به دلایل زیر از متن کتاب حذف شده‌اند:

۱- تکراری بودن مطالب و لزوم جلوگیری از اطاله‌ی کلام
۲- در حاشیه بودن مطلب به نحوی که موجب خارج شدن متن از روند طبیعی خود شده است

۳- ناقص بودن مطلب به دلیل قطع مصاحبه.

گاه برای تکمیل و یا به‌منظور سهولت دریافت مفهوم جمله، کلماتی مانند «که، است، بود، را، و» به متن افزوده شده است که از نشان‌دار کردن همه‌ی آنها اجتناب شده اما در بقیه موارد چنانچه کلمه‌ای به متن افزوده شده باشد، برای مشخص کردن آن از علامت قلاب [] استفاده شده است.

جذاییت‌های این کتاب

این کتاب علیرغم آنچه متصور است فقط یک کتاب خاطرات صرف نیست بلکه بسیاری از اطلاعات آن مربوط به جنبه‌های مختلف فرهنگ عامیانه می‌باشد مانند امثال و ضرب‌المثل‌ها، القاب و عناوین، اصطلاحات محلی، نذورات، جشن‌ها و غیره و حتی جنبه‌هایی از تاریخ اجتماعی شهر همدان مانند مشاغل قدیمی و بافت محلات و طبقات اجتماعی را هم در برمی‌گیرد؛ اطلاعات جالب و خواندنی درباره‌ی رجال و شخصیت‌های عامی و کمتر شناخته‌شده و مطالبی از این دست. همچنین از دیگر ویژگی‌های این کتاب استفاده از برخی کلمات با گویش محلی